

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۱۰۱	تاریخ	۱۴۰۴/۰۲/۰۹
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	دلیل چهارم: استدلال به حکم عقل بر حجیت خبر واحد				
عنوان ۵	تفاوت اثبات حجیت خبر با دلیل شرعی و اثبات آن با علم اجمالی در نسبت با اصول عملیه				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

سخنان ابتدایی

در ابتدا، سالروز ولادت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام - که ما همگان زیر سایه این وجود مقدس نفس می کشیم و زندگی می کنیم- را تبریک عرض می کنیم. صرف نظر از روایات خاصی که در شأن و مقام حضرت معصومه علیها السلام از حضرات معصومین، به ویژه حضرت رضا و حضرت جواد علیهما السلام وارد شده، آیه کریمه «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ»^۱، خود برای اثبات مقام والای آن حضرت کافی است. همان طور که این آیه کریمه، الحاق ذریه مؤمن به آباء و اجدادشان در درجات ایمان را بیان می کند، این الحاق برای حضرت معصومه علیها السلام به اجداد طاهریشان ثابت است. این الحاق، الحاق عام است و در حق ایشان و امامزادگان عالی رتبه ای است که وجود مرقد شریفشان در ایران، افتخاری بزرگ است.

الحمد لله ایران، مهمان امامزادگان بسیاری، بالاخص از نسل و ذریه حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام بوده است. این حضور پربرکت، نشانه های عظیمی دارد. اولاً، نشان دهنده ایمان و محبت عمیق مردم این سرزمین به اهل بیت علیهم السلام از همان روزگار است که پذیرای این بزرگواران بوده اند؛ حتی افرادی که با عقاید امامیه و اهل بیت، آشنایی زیادی نداشتند. این انتشار امامزادگان در سراسر ایران، نشان دهنده این امر است. از شمال تا جنوب ایران به هر منطقه، حتی روستاها و دهات دورافتاده بروید، آثاری از اولاد ائمه اطهار علیهم السلام، به ویژه اولاد امام کاظم علیه السلام را می یابید. این خود جای تحقیق دارد که براساس چه برنامه دقیقی، امام کاظم علیه السلام اولاد و نوادگان خویش را به سمت عراق، ایران و به تعبیر دیگر، شرق جهان اسلام گسیل داشتند؛ زیرا این مناطق، بستر مناسبی برای انتشار تشیع بود که تشیع در ایران تا هندوستان، از برکات اولاد امام کاظم علیه السلام منتشر شده

۱. «کسانی که ایمان آوردند و فرزندان ایشان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند، فرزندان ایشان را به آنان ملحق می کنیم». سوره طور: آیه ۲۱.

است؛ به همین جهت غالباً سادات این مناطق از نسل حضرت موسی بن جعفر علیه السلام هستند؛ درحالی که در مناطق غربی تر جهان اسلام، سادات حسنی یا حسینی یا از نسل امام زین العابدین علیه السلام غلبه دارند. این نشان دهنده نقش ویژه اولاد حضرت امام کاظم علیه السلام در انتشار تشیع در منطقه شرق جزیره العرب داشته اند؛ همچنین نقش عظیمی در نشر اصل اسلام داشته اند. اسلام، به وسیله اولاد حضرت امام کاظم علیه السلام به اندونزی انتشار پیدا کرده است.

به هر حال، ما افتخار این افتخار را داریم که زیر سایه حضرت معصومه علیه السلام هستیم و از آن حضرت طلب می کنیم که ما را شفاعت کند و از خداوند متعال می طلبیم که توفیق بهره مندی از شفاعت ایشان را به ما عنایت فرماید و به ما علم دین را عنایت کند و توفیق عمل و ترویج علوم اهل بیت را کرامت کند که واقعاً چنین است که در روایت می فرماید: «شَرِّقًا وَغَرِّبًا فَلَا تَجِدَنَّ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»^۱. مضمون این حدیث شریف را صرفاً از باب تعبد نمی پذیریم؛ بلکه تجربه نیز برای ما این معنا را ثابت کرده است. خدای متعال این کرامت را به ما بخشیده که ما را امین این خزانه علم قرار داده است. وظیفه ماست که اولاً، خود از این خزانه به درستی بهره مند شویم و توشه برداریم و ثانیاً، این علم را به دیگران و به مناطقی که از آن محروم مانده اند، منتقل کنیم.

متأسفانه شاید ما در نشر علوم اهل بیت کوتاهی کرده ایم؛ در بسیاری از کتابخانه های بزرگ مناطقی دیگر که جزو مراکز علمی بوده اند، حتی یک کتاب از علوم حقیقی اهل بیت علیهم السلام یافت نمی شود؛ درحالی که کتابخانه های ما، پر است از کتب است. این، مقداری ناشی از تعصباتی است که نسبت به اسلام وجود دارد که از آن جلوگیری می کنند؛ اما این تا حدی ناشی از کوتاهی ما در انتقال این معارف به مناطقی که هنوز از آن بهره مند نشده اند بوده است. امیدواریم خداوند این توفیق را به ما عنایت فرماید.

مرور درس پیشین

بحث ما در فرض تخالف خبر و اصل بود و به صورت دوم آن، یعنی خبر ترخیصی در مقابل اصل الزامی رسیدیم که گفتیم ابتدا، استصحاب الزامی را بررسی می کنیم. در جلسه قبل، فروض مختلف مربوط به دلیل مرخص استصحاب الزامی - که فرض شد دلیلش خبر واحد مبتنی بر علم اجمالی است - بررسی شد و به این نتیجه رسیدیم که:

اگر دلیل مرخص، خود خبر ترخیصی مورد بحث - مبتنی بر علم اجمالی غیرمنجز - یا برائت عقلیه یا برائت شرعیه مستند به خبر واحد غیرمنجز باشد، هیچ کدام توان معارضه با استصحاب الزامی منجز را ندارند و نتیجه الزام است.

اما اگر دلیل مرخص، برائت شرعیه مستند به دلیل قطعی - مثل آیه قرآن - باشد، آن دلیل قطعی دال اصل ترخیصی، دلیل غیرقطعی استصحاب را منحل می کند و اجازه نمی دهد استصحاب در اینجا حجت شود؛ در نتیجه برائت، جاری می شود. فرض دیگری که در جلسه قبل مطرح شد این بود که اگر دلیل حجیت خود استصحاب نیز قطعی باشد - مثلاً مبتنی بر بناء عقلاء قطعی یا دلیل قطعی دیگر - در این حالت، ما با تعارض دو دلیل ظاهری قطعی مواجه می شویم: دلیل قطعی استصحاب (الزامی) و دلیل قطعی برائت شرعیه (ترخیصی). در تعارض این دو دلیل قطعی، قاعده «تقدیم اخص بر اعم» جاری می شود؛ چراکه موضوع دلیل برائت شرعیه، «مطلق شک» است (عام) و موضوع دلیل استصحاب، «شک مسبوق به

یقین» است (خاص). چون موضوع استصحاب، اخصّ از موضوع براءت است، دلیل قطعی استصحاب، دلیل قطعی براءت را تخصیص می‌زند؛ البته مراد از این تخصیص، تخصیص اصطلاحی نیست و در متن شهید صدر نیز واژه «اخصیت» آمده است که می‌تواند مراد حکومت یا ورود باشد و نظریه پردازی این موارد را شیخ انصاری انجام داده‌اند و قبل از صاحب جواهر، اصلاً تعابیر حکومت و ورود وجود ندارد و صاحب جواهر این اصطلاحات را وارد مباحث فقهی کرده است و قبل از ایشان، در اینگونه موارد به اخص و اعم تعبیر می‌کنند.

بنابراین، در فرضی که دلیل هر دو (استصحاب و براءت شرعی) قطعی باشد، استصحاب الزامی مقدم می‌شود.

اشکال مرحوم آقا ضیاء الله بر تقدیم استصحاب

بیان شد که اگر دلیل استصحاب و دلیل براءت هر دو قطعی باشند، استصحاب به دلیل اخصیت بر براءت مقدم می‌شود. اما در اینجا، مرحوم آقا ضیاء الله اشکالی بر جریان استصحاب الزامی در این موارد وارد می‌کنند؛ حتی اگر دلیل استصحاب قطعی باشد؛ زیرا عمل به استصحاب در این موارد، تمسک به عام در شبهه مصداقیه می‌شود. استدلال ایشان را می‌توان در سه بند ارائه داد:

بند اول: علم اجمالی به صدور اخبار ترخیصی مخالف با استصحاب الزامی:

ما علم اجمالی داریم که تعدادی اخبار ترخیصی صادق از شارع مقدس صادر شده است که با برخی موارد جریان استصحاب الزامی مخالفت دارند؛ یعنی می‌دانیم که همه استصحاب‌های الزامی جاری در فقه، مطابق با واقع نیستند و برخی از آن‌ها با ترخیص واقعی معصوم معارض‌اند؛ از جمله این اخبار ترخیصی معلوم الصدور بالاجمال، همین خبر ترخیصی مورد بحث ما (خبر جواز دخول حائض منقطع الدم) است که احتمال صدق آن وجود دارد.

۲. بند دوم: علم به حجیت ظهور:

ما علم داریم که ظهور الفاظ این اخبار - اعم از الزامی و ترخیصی - بر اساس ادله قطعی حجیت ظواهر، حجت است. پس آن اخبار ترخیصی معلوم الصدور بالاجمال، ظهور معتبر و حجت در ترخیص نیز دارند؛ به عبارت دیگر: حجیت ظهور این اخبار - بر فرض صدور - ثابت است.

۳. بند سوم (نقض یقین به یقین):

قاعده استصحاب «لَا تَنْقُضُ الْيَقِينَ بِالسَّكِّ، وَانْقُضُهُ بِيَقِينٍ آخَرَ»، خود متضمن این معناست که یقین سابق را نباید با شک لاحق نقض کرد؛ اما می‌توان آن را با «یقین» لاحق نقض نمود. حال، ما از یک طرف، یقین سابق - مثلاً حرمت دخول - داریم که مبنای استصحاب الزامی است. از طرف دیگر، علم اجمالی حاصل از دو مقدمه قبل داریم؛ یعنی علم اجمالی به صدور اخبار ترخیصی حجت که با این استصحاب‌ها مخالفت می‌کنند. این علم اجمالی به وجود حجت معتبر مخالف، به منزله یقینی است که می‌تواند یقین سابق مستصحاب را نقض کند.

نتیجه‌گیری اشکال:

بنابراین، ما علم اجمالی داریم که بسیاری از استصحاب‌های الزامی جاری در فقه، در واقع به وسیله اخبار ترخیصی حجت معلوم الصدور بالاجمال، نقض شده‌اند (مُنْقَاضُ هَسْتَنْد). حال در مورد خاص بحث ما - مثل مسئله حائض یا آب -

متغیر- که یک خبرِ ترخیصیِ محتمل الصدق با یک استصحابِ الزامی تعارض دارد، احتمالِ قوی وجود دارد که این خبرِ ترخیصی، یکی از همان اخبارِ صادرهٔ واقعی باشد و این استصحابِ الزامی، یکی از همان استصحاب‌های نقض شده باشد. در چنین وضعیتی، تمسک به عمومِ دلیلِ استصحاب برای جاری کردنِ استصحاب در این مورد خاص، تمسک به عام در شبههٔ مصداقیه خواهد بود. یعنی ما نمی‌توانیم با اطمینان به عمومِ دلیلِ استصحاب تمسک کنیم، زیرا شکِ جدی داریم که آیا این مورد خاص، واقعاً مصداقِ جریانِ استصحابِ معتبر هست یا از مواردِ نقض شده به وسیلهٔ ترخیصِ واقعی است. برای اجرای استصحاب، باید ابتدا عدمِ وجودِ آن ترخیصِ واقعیِ مخالف را احراز کنیم، که چنین احرازی ممکن نیست. ادامهٔ بحث ان شاء الله در جلسهٔ آینده پیگیری خواهد شد.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين